خبر

حکایت تعارض در تعریف سینمای اجتماعی و اتهام سیاه‌نمایی

سیدجمال ساداتیان درباره اولویت‌های تعیین شده مدیران برای فیلمسازی در سال ۱۴۰۳ گفت: اگر قرار است در کنار فیلم‌های کمدی، ساخت فیلم‌های اجتماعی در اولویت باشد، باید به گونه‌ای عمل شود که به سرنوشت برخی فیلم‌های دفاع مقدسی دچار نشوند.

این تهیه‌کننده، سینمادار و پخش‌کننده سینما در گفت‌وگویی با ایسنا درباره یکی از محورهای اعلام شده برای ساخت فیلم در سال جدید که «حل مسائل اجتماعی و معضلات فرهنگی جامعه» است، بیان کرد: به نظرم در تعریف فیلم‌های اجتماعی اختلاف نظر وجود دارد، چرا که حاکمیت فیلم‌های اجتماعی را از منظر خود به یک شکل تعریف می‌کند و اهالی سینما به شکلی دیگر، به همین دلیل با هم تعارض دارند و نگاهشان به هم نزدیک نیست. آنچه مردم از فیلم‌های اجتماعی انتظار دارند طرح معضلاتی است که مثلا در سیستم مدیریتی یا اداری کشور وجود دارد. آن‌ها دوست دارند این معضلات در قالب قصه در فیلم‌ها مطرح شود در حالی که ممکن است طرح این مسائل را در یک فیلم سینمایی سیاه‌نمایی بداند.

او ادامه داد: این مسئله در گذشته هم وجود داشت و به محض اینکه می‌خواستید یک معضل اجتماعی را در یک فیلم کالبدشکافی کنید، فیلم به سیاه‌نمایی متهم می‌شد یعنی حتی آن زمان که دولت اصلاحات بر سر کار بود و ادعا می‌شد آدم‌هایی بر سر کار هستند که دوست دارند تنوع ژانر و موضوع وجود داشته باشد، این اتهام بر سر سینما وجود داشت. الان هم که تقریباً دولت یکدست شده و خیلی اجازه طرح این موضوع‌ها را نمی‌دهند؛ بنابراین با وجود اینکه چنین اولویتی برای ساخت فیلم در ۱۴۰۳ اعلام شده، باید ببینیم در عمل چه اتفاقی رخ می‌دهد.

وی افزود: اگر قرار است امسال در کنار فیلم‌های کمدی، فیلم‌های اجتماعی هم ساخته شوند، باید ابتدا ببینیم فیلم اجتماعی از منظر دولت چطور تعریف می‌شود. «حل مسائل اجتماعی و معضلات فرهنگی جامعه» یک حرف کلی است. باید یک مسئله ابتدا طرح شود، کالبدشکافی شود تا بعد سراغ راه حل آن رفت. اگر فیلم اجتماعی به این شکل ساخته نشود به سرنوشت فیلم‌های دفاع مقدسی دچار می‌شود که به ضرب و زور پول‌های کلان یکسری فیلم ساخته می‌شود ولی مخاطب از آن‌ها استقبال نمی‌کند. البته با وجود اینکه می‌بینیم این فیلم‌ها خروجی ویژه‌ای در جذب مخاطب ندارند اما همچنان بر تولید آن‌ها اصرار وجود دارد.

ساداتیان در این زمینه بیان کرد: در میان مردمی که به سینما می‌آیند مشخص است که فیلم‌های ارگانی با نوعی گارد مخاطب مواجه هستند و البته جدا از ارگانی بودن، یک دلیل مهم این است که بسیاری از این فیلم‌ها از جنس سینما نیستند تا برای تماشاگر جذاب باشند. سینما یک مرکز گردشگری است و مردم دوست دارند به بهانه دیدن یک فیلم از خانه بیرون آیند اما این جنس فیلم‌ها کشش لازم را برای مخاطب ایجاد نمی‌کند. فیلم‌های کمدی چنین قابلیتی دارند و فیلم‌های اجتماعی هم اگر نقدهای اجتماعی خوبی داشته باشند تا سخنگوی مطالبات مردم باشند، قطعا آن‌ها نیز مخاطب خود را به سینما می‌کشانند.

به گزارش ایسنا، در حال حاضر فیلم «بی‌بدن» به عنوان یکی از فیلم‌های اجتماعی اکران نوروزی با حدود ۳۲۲ هزار نفر مخاطب نزدیک ۲۱ میلیارد تومان فروش داشته و فیلم «آسمان غرب» هم از جمله جدیدترین فیلم‌های ساخته شده در حوزه دفاع مقدس است، با بیش از ۳۵ هزار نفر تماشاگر نزدیک به ۲ میلیارد تومان بلیت فروخته است.

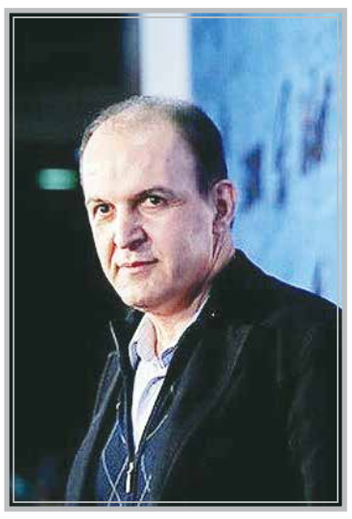

آهنگساز حریق خزان چطور کارگردان تئاتر شد؟

عشق و جنون شمس لنگروی روی صحنه تئاتر

«چاکریم استاد» این را امیرحسین فتحی با همان روحیه شاد و شنگولی که از ابتدای تمرین دارد می‌گوید. می‌گوید و بوسه‌ای می‌زند بر شانه شمس لنگرودی که حالا بعد از دو دور تمرین نمایش «و تو هم برنگشتی» خسته به نظر می‌رسد. شمس با لبخند پاسخش را می‌دهد. موزیک پخش می‌شود. کارگردان از انتهای سالن می‌گوید ادامه بدهید. فتحی، دیالوگش را می‌گوید و کارگردان خسته نباشید می‌گوید. همه بازیگران و دو خواننده نمایش روی سن می‌آیند و نمایش رسما به پایان می‌رسد.

آرتیست نمی‌بیند که در قسمت تماشاچی‌ها چه کسی نشسته است. در تئاتر این فاصله کم شده و برای من خیلی جذاب است و از سپری کردن این تجربه بسیار لذت می‌برم

به گزارش خبرآنلاین، اینجا تماشاخانه ملک و این آخرین تمرین گروه نمایش «و تو هم برنگشتی» به کارگردانی مهیار علیزاده است. گروهی که حالا ماه‌هاست در کنار هم قرار گرفته‌اند و قرار است یک کنسرت‌نمایش مستقل و بدون پروداکشن عجیب غریب و هزینه‌های سرسام‌آور این‌گونه نمایش‌ها را روی صحنه ببرند. همه چیز در اوج مینیمال بودن است؛ دکور، لباس‌های بازیگران و حتی موسیقی. انگار در این نمایش همه در کنار هم قرار گرفته‌اند تا قصه و شعر را برجسته کنند.

این شاید همان دلیلی است که به خاطرش فرزین محدث در فاصله استراحت میان دو دور تمرین نمایش وقتی با دیگر بازیگران در فضای بیرونی تماشاخانه دور هم جمع شده‌اند می‌گوید: «بعضی نمایش‌ها نیاز به فعالیت و اکت زیادی نداره؛ فقط باید روی صحنه باشی و روایت کنی.» او که در میان بازیگران نمایش، بیشترین تجربه تئاتری را در کارنامه دارد و در این نمایش نقش جوانی‌های کاراکتر خسرو با بازی شمس لنگرودی را ایفا می‌کند در ادامه رو می‌کند به این شاعر مطرح و می‌گوید: «ما روایت‌گر خسرویی هستیم که شما بازی می‌کنید. برای همین هم نباید فعالیت زیادی داشته باشیم» و وقتی شمس لنگرودی با لبخند می‌پرسد: «خب من باید چه کنم؟» می‌خندد و پاسخ می‌دهد: «هیچی. شما باید بایستید، دیالوگ بگویید تا ما لذت ببریم.» و به دیگر بازیگران نگاه می‌کند که رو کرده‌اند به شمس و با نوعی عشق و احترام او را می‌نگرند. عشق و احترامی که در تمام طول تمرینات در نگاه بازیگران و خواننده‌های کار به این استاد ادبیات که در این نمایش برای اولین بار حضور روی صحنه تئاتر را تجربه می‌کند، وجود دارد.

آرش الیگودرزی، خواننده جوان، با اشتیاق به حرف‌های وصال علوی گوش می‌دهد که دارد به او می‌گوید با کمی تمرین می‌تواند صدایش را برای آوازهای متفاوت‌تر آماده کند. الیگودرزی می‌پرسد: «متفاوت‌تر از این؟» و وصال با حوصله توضیح می‌دهد که چطور این اتفاق رخ می‌دهد. اینجاست که یکی از بازیگران با شوخی وارد بحث می‌شود و می‌گوید: «آره. هفته اول نمایش با صدای فرهاد می‌خونی؛ از هفته‌های بعد صدات تغییر می‌کنه. اون‌وقت باید جواب مهیار رو بدی که تو رو به خاطر همین شباهت صدات به فرهاد انتخاب کرده» هر سه می‌خندند. آرش آخرین آهنگی که ضبط کرده را از گوشی مبایلش پخش می‌کند. قطعه‌ای انگلیسی است. گوش می‌کنند و صدا و لهجه به‌جا و درست آرش را تایید می‌کنند. شمس که در حال گذشتن از کنارشان است با شنیدن موزیک متوقف می‌شود. چند ثانیه‌ای گوش می‌کند و می‌پرسد: «این موزیک از کیه؟» و وقتی وصال می‌گوید: «آرش خونده» شمس با دقت بیشتری گوش می‌کند و لبخند می‌زند. همین لبخند را دیگران تاییدی می‌دانند بر کار خواننده جوان و رو به او می‌گویند: «بفرما. استاد خوشش اومد. چی بالاتر از این؟» شمس با سر تایید می‌کند و می‌گوید: «کار خوبیه». آرش با لبخند شرم پاسخ این تمجید شمس می‌دهد.

درخواست فاطمه تقوی دستیار کارگردان برای برگشتن گروه به سالن برای دور بعدی تمرین، پایانی است بر ساعت استراحت و خوش و بش اعضا. گروه از پله‌ها پایین می‌روند تا به سالن تماشاخانه ملک برسند. حالا همه روی صحنه هستند و در انتظار دستور مهیار علیزاده برای شروع دور آخر تمرین پیش از شروع اجراهای گروه. تمرین این‌بار سریع‌تر و بدون تپق پیش می‌رود. تقریبا یک ساعت زمان کلی نمایش است و تمرین هم به همان اندازه طول می‌کشد. مثل دور قبل آخرین دیالوگ را امیرحسین فتحی می‌گوید که در این نمایش کاراکتر «مرگ» را ایفا می‌کند. بازیگر جوان، با قد کشیده و چهره و صدای متناسبش که با بازی در سریال «شهرزاد» به کارگردانی حسن فتحی و چند سریال دیگر برای خود طرفدارانی دست و پا کرده است، «مرگ» را چنان پر اکت روی صحنه برده که اصلا انگار نه انگار «مرگ» است. فتحی در این نمایش یکی از پر حرکت‌ترین بازیگران روی صحنه است. هم دیالوگ و حرکت زیادی دارد هم در یکی دو صحنه می‌خواند و در میان این خواندن‌ها از روی سن پایین آمده و به میان تماشاگران می‌رود. خواندن البته وجه مشترک اغلب بازیگران روی صحنه این نمایش است. در کنار وصال علوی و آرش الیگودرزی که خواننده-بازیگران گروه هستند، و امیرحسین فتحی که پیش از این گفته شد، ساغر رجبی و شمس لنگرودی نیز قطعاتی را می‌خوانند و دکلمه می‌کنند.

پس از دیالوگ امیرحسین فتحی، مهیار علیزاده از بالای سالن خسته نباشیدی می‌گوید و در میان تشویق افراد معدودی که شامل اعضای تیم تولید، یک خبرنگار، یکی از دوستان کارگردان و همسر شمس لنگرودی که در تمام جلسه تمرینی همراهش بوده، به پایین سن می‌آید و با گروهش درباره اجرا نکاتش را مطرح می‌کند. علیزاده آهنگساز سرشناس که بیش از همه کارهایش به خاطر همکاری با چهره‌های مطرحی از جمله علیرضا قربانی، همایون شجریان و مهران مدیری نامش بر سر زبان‌ها افتاده، در «و تو هم برنگشتی» اولین تجربه کارگردانی تئاتر را پشت سر می‌گذارد.

در آن سوی حیاط تماشاخانه دو خواننده کار کنار هم قرار گرفته‌اند. یکی جوان‌تر که آواز و گیتار را خودش یاد گرفته و با استعدادش آن را گره زده و آنقدر پیش رفته که حالا به عنوان خواننده-بازیگر این نمایش انتخاب شده و دیگری هر چند جوان اما با چهره و صدایی پخته‌تر که سال‌هاست می‌خواند، اما خودخواسته از فضای مارکت فاصله گرفته و علی‌رغم پیشنهاداتی که به خاطر جنس صدایش داشته، ترجیح داده موسیقی را فارغ از بازی‌های همیشگی مارکت و فقط به خاطر موسیقی دنبال کند. حالا هر دو اینجا هستند تا بار آوازی «و تو هم برنگشتی» را به دوش بکشند.

او که پیش از این هم بارها در نمایش‌ها و کنسرت-نمایش‌های گوناگونی همکاری داشته و سال ۹۲ «در شعله با تو رقصان» را با بازی صابر ابر و پانته‌آ پناهی‌ها روی صحنه تالار وحدت برده، «خط سوم» را با اندیشه فولادوند و یک ارکستر زهی کامل، «تکرار نامنظم بی تو» را با پیمان قدیمی و نمایش دیگری را با بازیگرانی چون لیندا کیانی و الهام پاوه‌نژاد کار کرده، در این نمایش اما به نظر می‌رسد خیلی قصد ندارد روی وجهه موسیقی خود تکیه کند. او با همه این تجربیاتی که از تلفیق موسیقی و بازیگری در کارهای مختلف داشته انگار در این نمایش دوست نداشته کار اغراق‌آمیزی با موسیقی انجام دهد و اگرچه تمام نمایش پر است از شعر و موسیقی اما مهیار علیزاده بیشتر تلاشش انگار برای توجه بیشتر به موسیقی خاطره‌انگیز ایرانی بوده و دست گذاشته روی چند آهنگ نوستالژیک و در تلفیق آنها با قصه عاشقانه نمایش که ساغر رجبی آن را نوشته و اشعار شمس لنگرودی، «و تو هم برنگشتی» را برای ادای دین به شعر و موسیقی خاطره‌انگیز سال‌های نه چندان دور روی صحنه برده است.

علیزاده در حاشیه این تمرین درباره ایده شکل‌گیری این کنسرت-نمایش گفت: «ایده «و تو هم برنگشتی» براساس آشنایی من با کار و اشعار شمس لنگرودی و کار آهنگسازی که روی شعرهای ایشان انجام دادم شکل گرفت. البته از ایده تا اجرا زمان زیادی طول کشید که بخش اعظم آن در دوران کرونا گذشت و ما در این دوران سعی کردیم روی متن کار کنیم.»

کارگردان «و تو هم برنگشتی» در پاسخ به این سوال که پس از شناخته شدن به عنوان یکی از بهترین آهنگسازهای کشور حالا تجربه کارگردانی تئاتر برای او چگونه است، گفت: «اینکه شما می‌گویید برای من برچسب سنگینی است و مسوولیتم را سنگین‌تر می‌کند. اما در مورد این پروژه راستش خیلی مُصر نیستم که اسمم کارگردان باشد. در واقع این پروژه‌ای است که سعی کردم از صفر تا صدش را مدیریت کنم. چه در مرحله نگارش کار که ساغر رجبی انجام داده و چه در بازیگردانی و مشاوره‌ای که فرزین محدث به من داد و چه در انتخاب اشعار که آقای شمس لنگرودی وقت زیادی گذاشتند من سعی کردم به بهترین نحو کارها را مدیریت کنم. و اینکه تصمیم گرفتم چنین پروژه‌ای را به نتیجه برسانم از علاقه‌ام به تلفیق موسیقی و نمایش می‌آید که در دوران تحصیل در خارج از کشور نمونه‌های زیادی از آن را دیدم.»

علیزاده درباره ژانر کنسرت نمایش «و تو هم برنگشتی» اینطور توضیح داد: «به نظر خودم الان کار به ژانر پست‌مدرن نزدیک شده. یک جاهایی از نوستالژی و فضاهای سنتی و فولک می‌رسیم به موسیقی‌های مدرنی که برای کار طراحی کردم. حتی نورپردازی امروزی که علی کوزه‌گر به عنوان یکی از بهترین نورپردازان کشور طراحی کرده یا کار مرتضی فربد که در طراحی صحنه و دکور و شقایق محمودی که به عنوان طراح لباس همراهمان بوده‌اند در راستای همین ژانر است.»

وی همچنین درباره تفاوت «و تو هم برنگشتی» با کارهای مشابه گفت: «کارهای قبلی که زیر تایتل پرفورمنس یا کنسرت نمایش انجام دادم دوز نمایش‌شان خیلی کمتر از موسیقی بوده، هفتاد، هشتاد درصد کار موسیقی بود و بیست، سی درصد نمایش. تفاوت این کار با کارهای قبلی این است که به علت حضور آدم‌های نمایش مثل فرزین محدث، یلدا عباسی، ساغر رجبی، مریم مشهور و امیرحسین فتحی که بخش بازی روی دوش این عزیزان است درام کار پررنگ‌تر درآمده است.»

مهیار علیزاده در پایان درباره تجربه حضور در این نمایش گفت: «من از دنیای موسیقی و کنسرت می‌آیم و صحنه تئاتر برایم صحنه تازه و نویی است. شما دو سه ماه با بازیگرانت و هنرمندانی که روی صحنه هستند زیست می‌کنی و تجربه زیست کردن با این هنرمندان برای من خیلی ارزشمند بود. از طرف دیگر هر شب با ۲۰۰ مخاطب نفس به نفس و از نزدیک صحبت می‌کنی. این اتفاق در کنسرت‌ها نمی‌افتد. آرتیست نمی‌بیند که در قسمت تماشاچی‌ها چه کسی نشسته است. در تئاتر این فاصله کم شده و برای من خیلی جذاب است و از سپری کردن این تجربه بسیار لذت می‌برم.»

کنسرت-نمایش «و تو هم برنگشتی» که روایتی است از زندگی یک استاد ادبیات و شاعر ایرانی و چالش‌هایی که پس از مهاجرت با آن روبه‌رو شده، از شانزدهم فروردین ماه و در میان استقبال مخاطبان هر شب ساعت ۲۱:۳۰ در تماشاخانه ملک تهران روی صحنه می‌رود.

محمد شمس لنگرودی، امیرحسین فتحی، فرزین محدث، یلدا عباسی، ساغر رجبی، مریم مشهور و آرش الیگودرزی (خواننده – بازیگر) ، وصال علوی (خواننده – بازیگر) از هنرمندانی هستند که در این پروژه حضور دارند.

صدای کودکان شهید غزه در موزه هنرهای معاصر تهران پیچید

آیین افتتاح چیدمان ده هزار جهان، عصر روز شنبه با حضور محمد خراسانی‌زاده مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران و جمعی از هنردوستان در باغ مجسمه موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی موزه هنرهای معاصر تهران، در این مراسم، محمد خراسانی‌زاده در سخنانی بیان کرد: موزه هنرهای معاصر تهران ظرفیت‌های متعددی دارد که نمی‌توان به راحتی از کنارشان عبور کرد و آنها را مسکوت گذاشت. فضای پیرامونی موزه یکی از ظرفیت‌های بیرونی کم‌نظیر ما محسوب می‌شود که می‌تواند قابلیت‌های متفاوتی برای ارائه هنری داشته باشد. سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران با اشاره به مضمون چیدمان ده هزار جهان گفت: مضمون انتخاب شده بر مبنای پیشنهاد دو هنرمند و ناظر به یک نسل‌کشی تاریخی بود که همه انسان‌ها با دیدن و شنیدنشان قلبشان به درد می‌آید. اکنون شاهد هستیم که کودکان غزه تنها به جرم فلسطینی بودن توسط دژخیمان رژیم صهیونیستی به خاک و خون کشیده می‌شوند. بیش از ۳۰ هزار کشته در فلسطین طی ۶ ماه گذشته ثبت شده است که نیمی از آنها زنان و کودکان هستند. به تعبیر قرآن کریم، بِأَیِّ ذَنبٍ قُتِلَت؟

مدیرکل هنرهای تجسمی تصریح کرد: امیدوارم این چیدمان، تلنگری برای شمار محدودی از افراد جامعه که نسبت به فجایع انسانی غزه بی‌تفاوت هستند، باشد تا بیندیشند و ببینند قرار است در کدام سوی تاریخ بایستند؟ سمت ظالم یا طرف مظلوم؟

در بخش دیگری از این مراسم، حسین ونکی، یکی از طراحان چیدمان ده هزار جهان درباره این رویداد هنری محیطی گفت: من همکاری‌های کوچکی با پسرم داشتم و افتخار می‌کنم که با او بودم. ما چند ماه است که درگیر ایده این چیدمان هستیم و خوشحالم که اکنون در محوطه موزه هنرهای معاصر تهران به اجرا درآمده است.

خبر

آخرین «آبنبات» در راه نمایشگاه کتاب

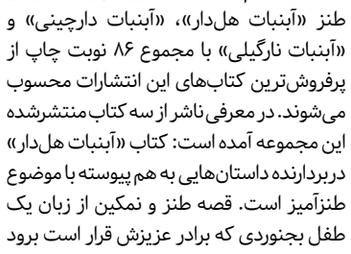

مهرداد صدقی از انتشار «آبنبات لیموییِ»، آخرین کتاب از مجموعه «آبنبات‌ها» تا پیش از نمایشگاه کتاب خبر داد.

به گزارش ایسنا، صدقی نویسنده مجموعه آبنبات‌ها با اعلام این خبر گفت: نسخه نهایی «آبنبات لیموییِ» را اسفندماه سال گذشته به انتشارات سوره مهر تحویل دادم و در فرآیند انتشار قرار گرفته است.

او افزود: در«آبنبات لیموییِ» خوانندگان همچنان ماجراهای محسن را دنبال می‌کنند. محسن حالا تحصیلاتش را در دانشگاه گرگان به پایان رسانده و می‌خواهد ازدواج کند.

صدقی با اشاره به این که «آبنبات لیموییِ» آخرین جلد از سری مجموعه آبنبات‌ها خواهد بود، گفت: با توجه به اینکه داستان «آبنبات لیموییِ» در روزگار کنونی می‌گذرد، فعلا قصد ندارم این مجموعه را ادامه دهم و می‌خواهم داستان‌نویسی را با ژانرهای دیگر ادامه دهم.

بنا بر اعلام انتشارات سوره مهر، سه رمان طنز «آبنبات هل‌دار»، «آبنبات دارچینی» و «آبنبات نارگیلی» با مجموع ۸۶ نوبت چاپ از پرفروش‌ترین کتاب‌های این انتشارات محسوب می‌شوند. در معرفی ناشر از سه کتاب منتشرشده این مجموعه آمده است: کتاب «آبنبات هل‌دار» دربردارنده داستان‌هایی به هم پیوسته با موضوع طنزآمیز است. قصه طنز و نمکین از زبان یک طفل بجنوردی که برادر عزیزش قرار است برود جبهه! آبنبات هل‌دار!

چه خاطراتی که از روزگار جنگ در این سرزمین باقی نمانده و هر کسی می‌داند که آن روزها فقط روزهای جنگ و گلوله نبودند. درون مرزهای ایمنی که عده‌ای جان خود را بر سر حفظ تمامیت و امنیت آن می‌نهادند، مردمی شریف و صبور روزگار می‌گذراندند و اکنون مهرداد صدقی با زبان طنز و کلک، ماجراهای مفرحی از آن روزگاران برای مردم امروز تعریف می‌کند.

داستان را محسن که ته‌تغاری یک خانواده پنج‌نفره است روایت می‌کند و فضای داستان در یکی از محله‌های قدیمی بجنورد، در سایه‌سار محبت مادربزرگی پیر و فرتوت اتفاق می‌افتد. محسن است و بازیگوشی و ماجراجویی که این نوستالژی دهه شصتی را با کارهای شیطنت‌آمیزش پر از خنده و شادی می‌کند.

«آبنبات پسته‌ای» در ادامه روایت‌های کتاب قبلی و اتمام جنگ و آغاز دهه ۷۰ شمسی است. راوی کتاب نیز همچون آب‌نبات هل‌دار، همان محسن بازیگوش و پرشر و شور است که این بار هم با شیطنت‌های خود فضای مفرحی را برای خوانندگان رقم می‌زند. محسن که حالا در دوران نوجوانی خود به سر می‌برد، در کوچه سیدی شهر بجنورد، معروف است به سر زبان‌داری و بازیگوشی. خواهر او ملیحه که دختری جوان و دم بخت است، خواستگارهای فراوانی دارد که ارتباط خنده‌دار محسن با خواستگارهای خواهرش از جمله نکات طنزآمیز و جالب توجه کتاب است. بازه زمانی داستان‌های به هم پیوسته این کتاب از سال ۷۰ تا ۷۲ شمسی است که علاوه بر خاطرات نوستالژیک عصر قدیم، به یک دسته از رویدادهای تاریخی مهم که در آن برهه زمانی اتفاق افتاده و بر زندگی خانواده محسن و همسایه‌های او تاثیر گذاشته نیز اشاره می‌کند.

کتاب «آبنبات دارچینی» در ادامه کتاب «آبنبات هل‌دار» به قلم «مهرداد صدقی» نوشته شده است. ماجراهای داستانی این کتاب بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ می‌گذرد و شخصیت اصلی آن «محسن» درگیر ماجراهای پیش‌بینی‌نشده‌ای می‌شود که ناخواسته روی زندگی خود و اطرافیانش تأثیر می‌گذارد و همین امر موقعیت‌های طنزآمیزی را ایجاد می‌کند.

در «آبنبات نارگیلی» که جلد پس از آبنبات دارچینی است، محسن دانشجو شده و اتفاقات در نیمهٔ دوم دههٔ ۷۰ روایت می‌شود. نارگیلی هم مثل آثار قبلی صدقی فضای نوستالژی دارد و یادآور تمام اتفاقاتی است که در این برههٔ زمانی رخ داده؛ همچنین شرایط اجتماعی حاکمی که تأثیرش روی زندگی راوی مشهود است هم در بخش‌های مختلف این رمان به چشم می‌خورد.

نمایش نقاشی‌های نجات‌یافته از آتش «نوتردام»

پنج سال پس از آتش‌سوزی مهیب کلیسای «نوتردام» پاریس، نمایشگاهی جدید گنجینه‌های هنری که از این آتش‌سوزی نجات یافتند را به نمایش می‌گذارند.

به گزارش ایسنا، در آتش‌سوزی پانزدهم آوریل ۲۰۱۹ لحظه‌ای فرا رسید که شعله‌های آتشی که کلیسای «نوتردام» را فرا گرفته بودند به آسمان زبانه کشیدند و به نظر رسید که تمام گنجینه این کلیسا از بین رفته است.

آتش‌نشان‌ها از سرایت آتش به برج‌های ناقوس، نابودی ناقوس‌ها، ارگ اصلی و پنجره‌های شیشه‌ای رنگی کلیسا جلوگیری کردند. همچنین ده‌ها گنجینه‌ها از جمله آثار هنری، کتاب باستانی و آثار تاریخی نیز با تلاش ماموران آتش‌نشانی، پلیس و کارگران شورای شهر از این حادثه نجات پیدا کردند.

«گاردین» نوشت، چند هفته پس از رخ دادن این آتش‌سوزی و برآورد خسارت‌های ناشی از آن، یک مجموعه بی‌نظیر از نقاشی‌های مذهبی قرن هفدهمی از «نوتردام» خارج شد، که مرطوب اما تا حد قابل‌توجهی سالم باقی مانده بودند.

۱۳ نقاشی معروف به «می‌ها» (بخشی از ۷۶ تابلو نقاشی رنگ روغن بزرگ که در فاصله ۱۶۳۰ تا ۱۷۰۷ میلادی توسط برترین هنرمندان فرانسه خلق شدند) که در بخش کم‌نور «نوتردام» نصب شده بودند، اغلب توسط بازدیدکنندگان نادیده گرفته می‌شدند. حالا این مجموعه نقاشی‌ها پس از اینکه توسط کارشناسان مرمت شدند و پیش از آنکه با بازگشایی «نوتردام» در دسامبر به این کلیسا بازگردانده شوند، به‌زودی برای عموم مردم به نمایش گذاشته خواهند شد.

«امانوئل پنیکات»، مدیر موسسه فرهنگی که مسئولیت مرمت این نقاشی‌ها را بر عهده داشت، بازیابی این آثار هنری را معجزه عنوان کرد و گفت: «خیلی خوش‌شانس بودیم که توانستیم این نقاشی‌ها را خیلی زود و فقط با آسیب جزئی ناشی از رطوبت و غبار از کلیسا خارج کنیم.

ما روز بعد از آتش‌سوزی روند خارج کردن آن‌ها را آغاز کردیم و تصمیم گرفتیم که همه آن‌ها را مرمت کنیم. نمایشگاه جدید فرصتی است که این نقاشی‌ها را در یک مکان و به ترتیب زمان خلق آن‌ها و همانطور که در ابتدا نمایش داده بودند، تماشا کنیم.»

این نقاشی‌ها بر اساس مسابقه سالانه‌ای که در پاریس برگزار می‌شد و برای آن باید آثار هنری تا ماه «می» تکمیل شدند، «می‌ها» نامگذاری شدند.

به گفته «پنیکات» این آثار هنری واقعاً نقاشی‌های کلاسیک نفیسی هستند و توسط بهترین هنرمندان آن زمان خلق شده‌اند. آن‌ها نه تنها اهمیت مذهبی زیادی دارند، بلکه از ارزش هنری بالایی نیز برخوردارند. از ۷۶ نقاشی شده، محل نگهداری ۵۲ مورد از آن‌ها را مشخص است که هفت مورد از آن‌ها در مجموعه‌های خصوصی واقع در بریتانیا و بقیه در کلیساهای فرانسه نگهداری می‌شوند.

علاوه بر این در نمایشگاه پیش‌رو ۹ تابلوی مذهبی دیگر که از آتش «نوتردام» نجات یافته‌اند به نمایش گذاشته می‌شوند و بخشی از فرش ۲۷ متری نوتردام که به ندرت در معرض دید قرار می‌گیرد و به سفارش «چارلز دهم» پادشاه فرانسه خلق شده بود نیز به نمایش گذاشته می‌شود. این فرش در زمان آتش سوزی در جعبه‌ای قرار داده شده بود و فقط به صورت جزئی مرطوب شده بود. از این فرش تنها چند بار برای رویدادهای مهم استفاده شده است که از جمله آن‌ها به ازدواج «ناپلئون سوم» می‌توان اشاره کرد.

بازدیدکنندگان از این نمایشگاه همچنین می‌توانند ۱۴ پرده‌های نگارینی که در قرن هفدهم برای نوتردام بافده شده بودند را مشاهده کنند.

ساعاتی پس از آتش‌سوزی سال ۲۰۱۹، «امانوئل مکرون»، رئیس جمهوری فرانسه، وعده داد که کلیسای «نوتردام» را ظرف پنج سال بازسازی کند و به این ترتیب «نوتردام» در هشتم دسامبر بازگشایی می‌شود.

نمایشگاه «گنجینه‌های نوتردام» از بیست و چهارم آوریل تا بیست و یکم جولای در موسسه Mobilier National به نمایش گذاشته خواهند شد.